

کتابهای آسمانی که از مسیح نیست



نویسندگان عهد جدید چه کسانی هستند ؟

آیا نویسندگان اناجیل در نوشته خود امکان خطا و اشتباه نداشتند

- آیا اناجیل موجود واقعا نوشته همان مولفین و رسولان میباشد

- چرا با وجود اناجیل بسیاری فقط به همین چهار انجیل موجود اکتفا شد و دیگر اناجیل مطرود واقع شد

عهد جدید

کتاب مقدس از دو قسمت عهد جدید و عهد عتیق تشکیل شده است و عهد جدید نیز از 27 کتاب و نامه تشکیل شده که بر خلاف تصور برخی مولف هیچ کدام از این

کتابها نوشته خود حضرت عیسی نبوده بلکه کلیسا معتقد است حواریون و شاگردان و برخی رسولان بودند که این کتابها را تالیف کردند اناجیل چهار گانه شرح حال

زندگی حضرت عیسی از زبان مولفین آنها هستند و اعمال رسولان شرح حال زندگانی حواریون و رسولان بعد از مسیح میباشد سپس مجموعه ای از نامه هایی است

که پولس و حواریون به دیگران نوشتند و در پایان نیز کتاب مکاشفه یوحنا میباشد

که اکنون در صد آن هستیم بینیم این کتابها در چه زمانی تالیف شده و به دست چه کسانی نوشته شده است و آیا انتساب این کتابها به مولفینشان تا چه اندازه

صحیح و قابل اعتماد است و در چه مواردی نمیتوان این انتساب را تایید کرد

نویسندگان عهد جدید چه کسانی هستند ؟

درباره نویسندگان اناجیل از سه جهت تردید وجود دارد

1- آیا نویسندگان اناجیل در نوشته خود امکان خطا و اشتباه نداشتند

2- آیا اناجیل موجود واقعا نوشته همان مولفین و رسولان میباشد

3- چرا با وجود اناجیل بسیاری فقط به همین چهار انجیل موجود اکتفا شد و دیگر اناجیل مطرود واقع شد در حالی که در باره آنها هم ادعا میشود نوشته حواریون میباشد

که ما در این نوشتار به این سه سوال پاسخ میدهم :

در باره نویسندگان عهد جدید هیچ کسی ادعا ندارد که این کتابها نوشته خود حضرت عیسی است و همه مسیحیان میگویند که این کتابها نوشته برخی از حواریون و

پولس رسول که از حواریون نیست میباشد و این کتابها سالهایی بعد از حضرت عیسی به رشته تحریر در آمده اند و که از سالهای 45 میلادی تا حدود 100 میلادی

نگاشته شدند و بسیاری از آنها متن نامه های شخصی یا عمومی پولس و حواریون به دیگران است چه بسا نویسندگان این کتابها در موقع نوشتن ان نمیدانستند که

ممکن است این نامه ایشان بعدها به یکی از کتابهای مقدس مسیحیان تبدیل شود و کتابی در عرض تورات قرار بگیرد با توجه به این امر باز جای چند سوال باقی میماند

1- آیا نویسندگان اناجیل در نوشته خود امکان خطا و اشتباه نداشتند

میدانیم که هیچ یک از اناجیل نوشته خود مسیح نیست و یا حتی در زمان خود مسیح هم به نگارش در نیامده بود و یا حتی در فاصله نزدیک به زمان مسیح هم انجیلی

موجود نبود یعنی اگر به یک ایماندار مسیحی در سالهای پس از عروج مسیح میگفتند کتاب مقدس فقط عهد عتیق موجود در ذهنش تداعی میکرد و اگر به وی میگفتند

پس عهد جدید! وی از این کتابها اظهار بی اطلاعی میکرد

و کم کم به دلایلی، نیاز به مکتوباتی که داستان زندگی مسیح را بیان کند احساس شد

افراد بسیاری که ادعا میشود دو نفر ایشان حواری بودند و دو نفر دیگر از شاگردان حواریون (که خود شاهد عینی زندگی مسیح نبودند) دست به قلم بردند

و سالها از زندگی مسیح گذشته بود که در خوشبینانه ترین احتمال از 20 الی 70 سال پس از مسیح این کتابها به رشته تحریر در آمد و طبعاً گذشت چنین زمانی

مسایلی را ممکن است به وجود بیاورد

و ما با خوشبینانه ترین دید که نگاه کنیم میتوانیم بگوئیم نویسنده این کتابها افراد مومن و عاشق مسیح بودند و با هدف گسترش پیام مسیح دست به تالیف چنین

کتابهایی زدند و سعی خود را بر صحیح بودن و بی خطا بودن این کتابها کردند ولی باز نکاتی وجود دارد که توجه به آنها ضروری مینماید :

1- عصمت

ولی آیا این افراد معصوم بودند یا امکان خطا و اشتباه هم داشتند ؟ مطمئناً کسی در باره این افراد ادعای عصمت نکرده و اگر هم ادعا کند دلیلی برای اثباتش ندارد مگر

اینکه بگوید مطمئناً این افراد تحت حمایت روح القدس این کتابها را نگاشته اند و باور این سخن برای محقق بی طرفی که سخت میتواند به گفته کلیسا اعتماد پیدا کند

محال است و طبیعی است که ایشان گر چه سعی خود را برای بی خطا بودن نوشته هایشان کردند ولی چون بشر بودند امکان اشتباه در نوشته هایشان موجود بوده

است

2- تناقضات

وجود اختلافات در اناجیل بر این گفتار مهر تاییدی میگذارد که برای نمونه فقط به چند مورد اشاره می شود

پطرس عیسی را به چه کسانی انکار کرد؟(در مرتبه دوم به کنیز یا به مردی یا به به کنیزی دیگر یا جمعی از مردم)

1. بار اول: به یک کنیز ؛ بار دوم: به کنیزی دیگر و بار سوم: جمعی از مردم (آنانکه ایستاده بودند)

2. بار اول: به یک کنیز (از کنیزان رییس کهنه)؛ بار دوم: به همان کنیز و بار سوم: جمعی از مردم (حاضرین)

3. بار اول: به یک کنیز ؛ بار دوم: به یک مرد و بار سوم: به مردی دیگر

4. بار اول: به یک کنیز (که دربان بود یا دم در ایستاده بود) ؛ بار دوم: چند شخص که نام آنها ذکر نشده است و بار سوم: به یکی از غلامان رییس کهنه

چند روز بعد عیسی (ع) بر کوه آمد :

1- شش روز بعد، عیسی با پطرس، یعقوب و یوحنا به بالای تپه ای رفت. کس دیگری در آنجا نبود. ناگاه صورت عیسی به طرز پرشکوهی شروع به درخشیدن کرد، و لباسش درخشان و مثل برف سفید شد.

2- هشت روز پس از این سخنان، عیسی به همراه پطرس، یعقوب و یوحنا، بر فراز تپه ای برآمد تا دعا کند. 29 به هنگام دعا، ناگهان چهره‌ی عیسی نورانی شد و لباس و از سفیدی، چشم را خیره می کرد.

یا تناقضات گسترده ای که در اجداد عیسی مسیح بین نقل متی و نقل لوقا وجود دارد

و این مسایل خود ما را به این نتیجه میرساند که نویسندگان اناجیل معصوم نبودند و گر چه سعی خود را بر بی خطا بودن انجیلی که نگاشتند نمودند ولی چون انسان بودند و خطا پذیر این اشتباهات گر چه بعضا بی اهمیت در آن رخ داده است

3- گذشت زمان

با توجه به گذشت ده ها سال بعد از مرگ مسیح و نبود نوشته مکتوبی از زندگی و فرمایشات وی گر چه شاگردان مسیح با دل و جان سعی در حفظ سخنان وی میکردند ولی گذشت 30 الی 40 سال از وقوع ماجرای طبیعی است که امکان فراموشی یا اشتباه زیاد کند مثلا اگر اتفاقی در 40 سال پیش رخ داده است و دو نفر هم که خود شاهد آن ماجرا نبودند اکنون میخواهند آن را به رشته تحریر در آورند طبیعی است که دست خطا پذیر آدمی و غلبه تفکرات رایج زمان تالیف امکان تاثیر گذاری بر نقل را زیاد کند به عنوان نمونه شما هیچ گاه دو مورخی را پیدا نمیکنید که در نقلشان از داستانهای تاریخی کاملا یکسان عمل کنند و طبیعی است که اندیشه ها و تبعات آنان در نقلشان تاثیر گذار است

4- نداشتن ادعای نویسندگان کتاب

خود نویسندگان عهد جدید این کتابها را به عنوان کتاب مقدس ننوشتند بلکه اکثر این کتابها نامه های شخصی ای بوده که برای دیگر ایمانداران مینوشتند و وقتی نویسندگان کتاب خود ادعای مقدس بودن نوشته اش را به عنوان کلام الهی ندارد چرا ما باید چنین ادعایی را در مورد وی بکنیم

2- آیا دلیلی وجود کتابها را حواریون و شاگردانشان نوشتند؟

دومین سوالی که در باره اناجیل مطرح است انتساب این کتابها به نویسندگان است اصولا در هر کتاب تاریخی ای این سوال مطرح است مثلا میگویند آیا واقعا فلان کتاب نوشته افلاطون هست یا شخص دیگری نوشته و به افلاطون منسوب شده یا فلان شعر سروده حافظ است یا شخص دیگری سروده و به حافظ نسبت داده است و وقتی کتاب از درجه اهمیت بیشتری برخوردار باشد این سوال بیشتر مطرح میشود و طبعاً ادله محکمتری را نیز میطلبد به طور مشخص فرق است بین انتساب دادن یک رمان به ژول ورن و انتساب یک کتاب به خدا و طبیعی است برای انتساب کتاب به خدا باید استناد های محکم و غیر قابل خدشه ای وجود داشته باشد و گرنه نمیتوان به آن اعتماد داشت

و مهمتر این است که این کتاب حاوی نسبتهایی به خدا نیز باشد و میخواهد سنگ بنای اعتقاد تمام بشریت باشد این اهمیت بسیاری دارد و باید ادله غیر قابل خدشه ای نیز داشته باشد

حال میبینیم که آیا در انتساب انجیل های چهار گانه به حواریون ادله محکمی وجود دارد یا خیر؟

بررسی شواهد استناد اناجیل

در این باره شواهدی وجود دارد که مهمترین آن شهادت و پوسیوس از دانشمندان قرن 4م. از پایاس از دانشمندان قرن 1-2م. آداری دو مشکل اساسی است یکی اینکه فاصله زمانی بین پوسیوس (قرن 4) و پایاس (از 130 الی 202 میلادی) بسیار زیاد تر از آن است که پوسیوس بتواند از پایاس شنیده باشد پس در این شهادت یک انقطاع دو قرنی وجود دارد و یک انقطاع دیگر هم هست پایاس نیز خود با حواریون و رسولان سالها فاصله زمانی داشته و زندگانی ایشان را درک نکرده است پس مطمئنا باید از کسی شنیده باشد و شهادت باید عینی باشد نه حسی و شنیدنی و بنا بر این شهادت وی قابل اعتماد آن هم برای چنین کتاب مهمی که بناست سنگ بنای رهنمایی بشریت قرار گیرد نیست

و بعلاوه در این باره معارض هایی وجود دارد ما در گفتار روبرو به شرحی مختصر از اناجیل و میزان استناد آن میپردازیم

انجیل متی

متی یکی از حواریون است که فردی بوده که برای رومیان مالیات می گرفت کلیسا از اوائل قرن 2 این انجیل را به متی نسبت می داد و دلایل این بود که او لا به عنوان کتاب منسوب متی است و ثانیاً پوسیوس قرن 4 از پایاس قرن 2 نقل می کند که متی انجیل خود را به زبان عبری نگاشت ولی محققان جدید انتساب این انجیل را به متی رد میکنند زیرا گفته پایاس نمیتواند بر این انجیل منطبق باشد. و لغت شناسان گفته اند این انجیل در اصل باید به زبان یونانی نوشته شده باشد و از انجیل عبری متی هیچ نشانی در دست نیست

کشیش فهم عزیز میگوید: متی خود یکی از حواریون و شاهد زندگی عیسی مسیح بوده در حالی که مطالب این انجیل از انجیل مرقس گرفته شده است و مرقس حواری نبوده و این نمی تواند قابل قبول باشد

اعتقاد سنتی کلیسا بر آن است که در اصل به زبان عبری نوشته شده و پس ترجمه شده ولی نسخه اصل در دست نیست و مترجم هم مشخص نیست. و معلوم نیست به کتابی که اصلش مفقود شده و مترجم آن هم مشخص نیست چه مقدار میتوان اعتماد داشت ؟

انجیل مرقس

مرقس خود از حواریون نبود بلکه شاگرد و همسفر پطرس بود در رم از نزدیکان او بوده است که پطرس در باره او می فت «پسر مرقس به شما سلام می رساند» نامه اول «پطرس: 13:5 عموما این انجیل را به یوحنا مرقس شاگرد و همسفر پولس نسبت میدهند ولی از خود کتاب چنین مطلبی به دست نیامد برخی احتمال می دهند شخص دیگری این کتاب را نوشته باشد یوسیوس اسقف قیصریه از قول پایاس [130م] می گوید : مرقس مترجم پطرس بود و مطالب وی را با دقت زیاد ثبت می کرد ولی منبع این نقل در دست نیست از این رو برخی احتمال دادند که مرقس خودش مواد انجیل را جمع آوری کرده است

انجیل لوقا

لوقا از حواریون نبوده شاگرد مخصوص پولس بوده و در سفرها وی را همراهی میکرده. ابرنتوس می گوید : انجیل سوم را لوقا آن گونه که پولس تبلیغ می کرد نوشت و در چند بار در رساله های پولس از وی نام برده شده است .

ولی محققین می گویند اگر این کتاب نمیتواند نوشته شاگرد پولس باشد چرا ادبیات آن عیسی بشری است ولی ادبیات پولس عیسی خدائی است

و بلاوه انجیل لوقا کتابی است که شخصی که خود شاهد زندگی مسیح نبوده نوشته اگر به قول کلیسا اعتماد نداشته باشیم چرا باید به تمام نقل های وی اعتماد کرد

و چه دلیل قانع کننده ای وجود دارد که نویسندگان این کتاب از خطا و اشتباه مصون بوده است و چرا نمیتوانسته در نقلش خطا داشته باشد اینها سوالاتی است که اعتماد را از صحت این انجیل سلب میکند

یعنی ابتدا ما نمیتوانیم یقین کنیم نویسندگان این کتاب لوقا شاگرد پولس بوده

و بر فرض هم که قبول لوقا چنین کتابی را نوشته دلیلی نداریم که به ما این اعتماد را بدهد که لوقایی که از حواریون نبوده در نقل انجیل خطا نکرده

انجیل یوحنا

انجیل یوحنا یا اناجیل دیگر بسیار متفاوت است، از نظر سبک نگارش و ترکیب الاهیات و نوع مطالب با سه انجیل دیگر متفاوت است. در این انجیل مثل وجود ندارد در حالی که به گفته سه انجیل دیگر حضرت عیسی (ع) بسیاری مطالب را در قالب مثل بیان کرد، و برخلاف اناجیل دیگر که از معجزات مسیح زیاد سخن گفتند فقط هفت معجزه، از مسیح نقل میکند

کمتر کسی تردید دارد که انجیل یوحنا از نظر تاریخ نگارش آخرین آنهاست و زمان آن را از بعد از سال 70. م تا نیمه دوم قرن دوم احتمال داده اند و قوی ترین قول میگوید این کتاب در پایان قرن اول به نگارش در آمده است شاید بهترین فاصله نگارش 90-115 باشد

مولف انجیل یوحنا کیست؟

اعتقاد کلیسا این است که این انجیل نوشته یوحنا پسر زبیدی که یکی از حواریون است میباشد و به اعتقاد کلیسا یوحنا پسر زبیدی عمر طولانی کرد و اواخر عمر در شهر افسس زندگی می کرد و در آن شهر این کتاب را نوشت

اما نقادان کتاب مقدس میگویند این انجیل نمیتواند نوشته یوحنا باشد زیرا این انجیل پر از معانی فلسفی و یونانی است و به گفته کتاب اعمال رسولان یوحنا فردی عامی و بی سواد بوده است بنابراین او نمی تواند نویسنده این انجیل باشد و یل دوران می گوید: انجیل چهارم از فلسفه یونان مایه گرفته

مولف کتاب المدخل الی عهد جدید میگوید: اگر این انجیل نوشته یوحنا باشد چرا این اندازه با سه انجیل دیگر متفاوت است آیا می توان گفت که دونفر که شاهد یک ماجرا بوده اند و معتبر هم هستند این اندازه متفاوت نقل کنند.

از آنجا که معلوم شد انجیل چهارم به دست فردی نامشخص در حدود قرن پایان قرن اول گماشته شده است بنابراین به احتمال قوی اناجیل دیگر و نوشته های پولس در اختیار مولف بوده است. و او می خواسته مسیحیت را جوری بیان کند که برای یونانیان قابل فهم باشد بنابراین اواصطلاحات و قالب ما را از فلسفه یونان گرفته و الهیات پولس را در آن ریخت. «پوسیبوس» که در اوایل قرن چهارم می زیسته از پایپاس که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم می زیسته نقل می کند که در این زمان یوحنا

دیگری که به «پیر» معروف بوده در افسس زندگی می کرده است عده ای از محققان جدید می گویند: در واقع یک یوحنا در افسس می زیست که همین یوحنا پیر بود و او انجیل چهارم را نوشت و بعدا با یوحنا رسول منسبت شد کشیش فهم عزیز می گوید این سنوالم مشکل است و جواب آن به بررسی و تحقیق گسترده ای را می

طلبد و غالبا به این عبارت ختم می شود که غیر از خدای یگانه هیچ کس نمی داند چه کسی این انجیل را نوشته است. و در این باره بحثهای مفصلی صورت گرفته که به کتب مفصل تر مراجعه کنید و برخی دلایل دیگر نیز وجود دارد که از ذکر آن صرف نظر میکنیم

رساله های پولس

ترتیب فعلی عهد جدید بر حسب زمان نگارش آن نیست و محققان به این نتیجه رسیدند که نخستین نوشته های عهد جدید رساله های پولس بودند بین سالهای 40-35 [تغییر کیش داد و در سال 64 به قتل رسید در نخستین سالهای تولد مسیحیت هیچ گزارشی با تعلیم مکتوبی وجود نداشته نخستین گزارش مکتوب رساله های

پولس قدیس است که بین سالهای 50 تا 64 نگاشته شده اند. رساله های پولس که مجموع آنها به 17 عدد میرسد به سه دسته تقسیم میشود

1- رساله های قطعا به پولس منسوب است -

که عبارتند از « نامه به رومیان، نامه به قرنتیان، نامه به غلاطیان، نامه به فیلیمان، و اول تسالونیکیان فلیمون»

2- رساله یی که انتساب آن به پولس را محققان تایید نمی کند که عبارتند از

«نامه به افسسیان، نامه به کولسیان، نامه به تسالونیکیان، دو رساله تیموتائوس و تیطس»

3- رساله ای که در خود کلیسا در انتسابش به پولس اختلاف است که آن «رساله به عبرانیان» میباشد

نامه های یوحنا

اعتقاد کلیسا بر این است که این رساله ها نوشته یوحنا حواری است. از طرف سبک نگارش آنها به گونه ای است که بسیاری بر آنند که نویسندگان آنها باید همان نویسندگان انجیل چهارم باشد نه یوحنا حواری. ولی رساله دوم و سوم با این جمله آغاز می شود «من که پیرم» و این تعبیر نشان می دهد که به عنوان پیر معروف بوده است. و

پوسیبوس از دانشمندان قرن 4. م از پایپاس از دانشمندان قرن 1-2. م نقل می کند که در آن زمان در شهر افسس دو نفر به نام «یوحنا» می زیسته اند یکی یوحنا حواری و دیگری یوحنا پیر. بسیاری بر این باورند این نامه ها نوشته یوحنا حواری پیر باشد نه یوحنا حواری.

رساله یهودا

، کلیسا را یهودا برادر عیسی و یعقوب نویسنده این کتاب می داند اما بسیاری از دانشمندان این نسبت را ناصحیح می داند و زمان آن قرن دوم می دانند مکاشفه یوحنا:

این کتاب یک مکاشفه در باره حوادث آینده و آخرالزمان است و کمتر به بحث های عقیدتی و تاریخی می پردازد. در این کتاب سخنی از الوهیت مسیح نیست بلکه مانند سه انجیل نخست او را یک انسان و مخلوق می داند. کتاب مکاشفه کتابی است مانند کتاب انبیای متاخر عهد قدیم و مانند آنها درباره آینده سخن می گوید و بسیار رمز

آلو است و به صورت رمزی وقایع آخر الزمان شخصیت مسیح را بیان می کند. در باره نویسندگان کتاب چند نکته را باید در نظر گرفت. خود کتاب می گوید: نام نویسنده یوحنا است. اندیشه اما و طرز تفکر نویسنده یا نویسندگان چهارم بسیار متفاوتند. ویل دوران می گوید: باور نکردنی است که انجیل چهارم و کتاب مکاشفه از یک فرد باشد

کتاب مکاشفه از شعر یهود و انجیل چهارم از فلسفه یونان ما برگرفته است. این کتاب برخلاف انجیل چهارم از ادبیات یونانی بسیار ضعیفی برخوردار است. از نظر زبان نگارش بسیار زودتر از انجیل چهارم نوشته شده است و بسیاری تاریخ نگارش آن را به زمان فشار و شکنجه «نرون» در سال 65 م بر می گردانند. یوسیبوس در این باره

گواهی داده است که این کتاب نوشته یوحنا حواری است و تقریبا در انتساب این کتاب به یوحنا حواری تردیدی نیست

در پایان میتوان به این نتیجه رسید که فقط در انتساب کتاب مکاشفه یوحنا به یوحنا حواری و انتساب هفت نامه پولس به وی هیچ اختلافی وجود ندارد و در بقیه کتابها به رغم اعتقاد کلیسا برای صحت انتسابشان به مولفین سنتی آن نقادان کتاب مقدس نظرات و دلایلی دارند که این انتساب را تایید نمیکند.

3- چرا از میان بیش از ده ها انجیل و رساله رسولان تنها همین چهار انجیل و 27 کتاب عهد جدید انتخاب شدند. یکی از مهمترین سوالهایی که در باره اعتبار عهد جدید مطرح است سوال فوق است که چرا با وجود اینکه دهها انجیل همین چهار انجیل برگزیده میشود آیا واقعا همین چهار کتاب فقط مقدس بودند و بقیه مقدس نبودند مگر چه برتری ای در این چهار کتاب وجود داشته

برای روشن شدن اشکال ابتدا باید تاریخ رسمی شدن عهد جدید نگاهی بیفکنیم همانطور که میدانیم بنا به اعتقاد مسیحیان خود حضرت عیسی نه کتابی را از آسمان نازل کرد و نه به کسی امر فرمود که سرگذشتش را بنویسد و تا چندین سال بعد از مسیح (که برخی آن را بیش از 25-30 سال میدانند) هیچ کدام از مومنان به مسیح کتابی به نام انجیل نمیشناختند و به مجکوعه کتابی به نام عهد جدید ایمان نداشتند

و کم کم با گذشت نیاز به کتابی به عنوان مجموعه ای از اعمال و گفتار مسیح احساس میشد و برخی از بزرگان مسیحی بدون اینکه بگویند نوشته های ما مقدس است دست به تالیف زندگی نامه مسیح کردند کم کم انجیل نویسی رواج یافت و تعداد انجیلها به بیش از صد انجیل رسید و تا قرنها وضع به همین منوال بود تا سال 325 میلادی رسید

در این سال تحولات زیادی در مسیحیت رخ داد مسیحیانی که تا دیروز شکنجه دیده بودند خود شکنجه گر شدند مسیحیت که تا دیروز جرم بود امروز مسیحی نبودن جرم بود کنستانتین امپراطور روم به دلایلی خاص حمایت از مسیحیان را آغاز کرد و امکانات یک امپراطور در اختیار مسیحیان قرار گرفت و به اعتقاد بسیاری اگر کنستانتین از مسیحیان حمایت نمیکرد الان نام و اثری از مسیحیت جز در داستانها پیدا نمیشد

امپراطور روم مسیحیت را تبدیل به دین رسمی مملکت خود نمود و در این میان اختلافاتی بین خود مسیحیان بود از جمله در مورد خدا بودن یا نبودن مسیح و از جمله وجود انجیل متعدد امپراطور بخشی از کنشیشان و اسقفها را جمع کرد و مجلسی ترتیب داد تا مسیحیان خود این اختلافات را با هم حل کنند و یک مصوبه واحدی ارایه دهند در این جلسه که ریاستش را نیز خود کنستانتین امپراطوری که هیچ اطلاعاتی از الاهیات مسیحی نداشت بر عهده داشت از طرفی وجود یک کتاب مقدس در مقابل کتاب مقدس یهودیان احساس میشد بنا بر این شد تعدادی از انجیل موجود باید به عنوان کتاب مقدس انتخاب میشد و بنا بر این گذاشته شد از میان آن همه انجیل فقط همین چهار انجیل انتخاب شود و تعدادی از نامه ها رسولان و... نیز ضمیمه آن شد و مجموعه عهد جدید به وجود آمد ولی سوال اساسی اینجاست که چرا فقط همین چهار انجیل؟ آیا فقط همین چهار کتاب مقدس بودند و بقیه کتابها مقدس نبودند

چه مبنایی برای انتخاب این انجیل وجود داشت؟

چه دلیلی داشت که دست روی همین چهار کتاب و چند نامه گذاشته شود؟

چه کسی فقط به همین چند کتاب و نامه تقدس داده بود؟

آیا وقتی خود پولس داشت نامه مینوشت میدانست دارد کتاب مقدس مینویسد؟ تا با دقت بیشتری نسبت به بقیه نامه هایش بنویسد؟

مسیحیان یک سوال مشترک میدهند که این انتخاب تحت حمایت روح القدس انتخاب شده است

ولی چه دلیلی برای اثبات این حمایت وجود دارد؟

در این باره هیچ پاسخی نمیشنویم

در پایان باید بگویم بعد از شورای 325 بقیه انجیل را از بین بردند و در عین حال تعدادی از آن انجیل و نامه ها امروزه در میان کشفیات باستان شناسی به دست آمده که با نام کتابهای اپوکریفایی نامیده میشوند که به نام برخی از آنها اشاره میکنیم:

انجیل اپوکریفایی نامه ها و رساله های اپوکریفایی

انجیل عبرانیان اعمال پطرس

انجیل مصریان اعمال پولس

انجیل پطرس اعمال یوحنا

انجیل مرقیون اعمال توماس

انجیل توماس اعمال اندریاس

انجیل فیلیپس مکاشفه دوم یوحنا رسول

انجیل کودکی رساله کلمنت

انجیل کودکی عربی رساله برنابا

نوشته غنوسیان رساله پولس به لاودوکیان

انجیل برنابا رساله سوم پولس به قرنتیان